

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روز: یک شنبه

مصادف با: ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۶

ادامه مبحث دوم: مسأله ضد

بیان شد که این مبحث نیز ذیل چند مطلب پی گیری می شود. مطلب اول یعنی پیشینه تاریخی، مطلب دوم یعنی تحریر محل نزاع، مطلب سوم یعنی اصولی بودن مسأله، مطلب چهارم یعنی عقلی بودن مسأله و مطلب پنجم یعنی اقوال در مسأله گذشت. در ادامه به بیان مطلب ششم یعنی ثمرات مسأله خواهیم پرداخت.

مطلب ششم: ثمرات مسأله

این مسأله نیز مانند بسیاری از مسائل علم اصول، برخوردار از آثار علمی و عملی بسیاری است که به بعضی از آنها و به خصوص آثاری که در کلام فقهاء مطرح شده است، اشاره می شود.

ثمره اول: اثر علمی و عملی ضد عام

یکی از آثار علمی ضد عام که در مقام عمل و صدور فتوی نیز مؤثر می باشد، این است که اگر قائل شویم امر به شیء، مقتضی نهی از ضد عام است، لازم می آید بعضی از اضداد خاص، به اعتبار اینکه از مصادیق ترک آن شیء هستند، وارد در باب اجتماع امر و نهی شوند و آن اضدادی است که فی نفسه و قطع نظر از اینکه مصادیق ترک آن شیء می باشند مأمور به قرار گرفته اند، مثلاً اگر گفته شود «أزل النجاسة عن المسجد»، این مستلزم نهی از ترک ازاله نجاست است و از آنجا که ترک ازاله نجاست، واقعیتی است که در ضمن افعال دیگر صورت می گیرد، لذا اگر مکلف فعل دیگری را که انجام می دهد، واجبی از واجبات مانند صلاة باشد، این فعل هم مأمور به می باشد که واجب است و هم به اعتبار نهی از ضد عام، منهی عنه می باشد که حرام است؛ و اما اگر قائل شویم که امر به شیء مقتضی نهی از ضد عام نیست، فعل مذکور متعلق نهی نبوده و تنها متعلق امر می باشد و داخل در باب تراحم خواهد بود.

ثمره دوم: اثر عملی ضد خاص

علامه «رحمة الله علیه» در مختلف می فرمایند: اگر کسی مال خود را نزد دیگری به امانت گذاشته و بگوید: «أودعتك مالی علی أن تحفظه فی هذا الموضع»، آیا بر امانتدار جایز است که آن را در مکان دیگری مثل همان مکان نگهداری کند یا خیر؟ ایشان ابتدا در مقام بیان نظر مرحوم شیخ در مبسوط می فرمایند: برای این شخص جایز است که این مال را در مکان دیگری مثل همان مکان نگهداری کند، لذا اگر مال مذکور بدون تعدی و تفریط تلف شود، ضامن نیست.

۱- ایشان در مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، جلد ۶، صفحه ۶۶ می فرمایند: «مسألة: قال الشيخ فی المبسوط: إذا قال: أودعتك مالی علی أن تحفظها فی هذا الموضع لزمه حفظها فيه، فان نقلها الی مماثل لم یضمن، لأن صاحبها قد رضي بأن یكون فی ذلك الموضع، و ما یكون مثل ذلك الموضع، فصار كما لو استأجر أرضاً لیزرعها طعاماً فله أن یزرع [فيها] ما یكون ضرره مثل ضرر الطعام أو دونه، و لو قال: لا تخرجها منه فأخرجها لغير عذر الی مثله فالأقوی الضمان، بخلاف الإطلاق، لأنه مع الإطلاق یحتمل أن یكون أراد ذلك الموضع بعینه و مثله و فوّض الی اجتهاده، بخلاف ما إذا قال لا تخرجها فإنه قطع اجتهاده».

دلیل این مدعا آن است که اطلاق کلام امانت گذار، شامل مثل این مکان نیز می شود، مگر اینکه تصریح کرده باشد به عدم اجازه نقل آن از مکان معین مانند اینکه بگوید «و لا تخرجه من هذا المكان».

ایشان بعد از طرح نظر شیخ طوسی «رحمة الله علیه» در صدد نقد آن بر آمده و می فرمایند: «و الوجه عندی التسوية بين المسألتين، لأنَّ الامر بالشيء، يستلزم النهی عن ضده و الاكوان متضادة، فامرہ بالكون فی موضع معین، يستلزم النهی عن الكون فی غیر ذلك الموضع، فتساويا؛ یعنی امانت گذار با عبارت «أودعتك مالی أن تحفظه فی هذا الموضع» به شخص امانت دار امر می کند که این مال را در فلان مکان خاص نگهداری نماید و چون امر به شیء مقتضی نهی از ضد خاص آن می باشد، لذا کلام او در واقع بیانگر نهی از نگهداری آن مال در مکان دیگر است.

ثمره سؤم: اثر عملی دیگر ضد خاص

علامه «رحمة الله علیه» در قواعد الاحکام می فرمایند: «غسل النجاسة العينية عن البدن و الثوب اولى من الوضوء مع القصور عنهما، فإن خالف ففي الاجزاء نظر».

فخر المحققین «رحمة الله علیه» در توجیه تأمل مرحوم علامه، ذیل کلام ایشان می فرمایند: «ينشأ من أنه منهى عن الوضوء لأنه مأمور بغسل النجاسة و الامر بالشيء يستلزم النهی عن ضده و النهی يدلّ على الفساد فی العبادات».

محقق ثانی «رحمة الله علیه» در جامع المقاصد، استدلال فوق را ناتمام دانسته و می فرمایند: «و في المقدمة القائلة بأنَّ الأمر بالشيء يستلزم التَّهْي عن ضده على الإطلاق نظر، لأنه أتمّ يستلزم النهی عن ضده العامّ و هو مطلق الترك الذي هو النقيض عند اهل النظر، لا مطلق الاضداد الخاصة كما هو مقرّر فی الاصول، فلا يتمّ الدليل». یعنی امر به شیء مستلزم نهی از اضداد خاصه خود نمی باشد، لذا وضو بما هو وضو، نهی نداشته و صحیح است.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمين»

۱- مختلف الشيعة في احكام الشريعة. جلد ۶، صفحه ۶۶

۲- قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد ۱، صفحه ۲۳۷

۳- ايضاح الفوائد، فی شرح مشكلات القواعد، جلد ۱، صفحه ۶۷

۴- جامع المقاصد، جلد ۱، صفحه ۴۷۸